

# بازنگری تجربه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در ایران (۱۳۲۸ - ۱۳۶۸)

## ۲ - سطوح برنامه‌ریزی توسعه و تحولات آن

معرفی مقاله

نوشته: عبدالحسین نفیسی

مقاله حاضر، بخش دوم از بررسی جامعی است که زیر عنوان «بازنگری تجربه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در ایران» درج آن در شماره ۲۳ - ۲۲ فصلنامه تعلیم و تربیت آغاز شده است. هدف اصلی این سلسله مقالات آن است که حاصل تجربه‌های گذشته در زمینه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش مورد بازنگری قرار گیرد و درسهایی که برای اصلاح امور می‌توان از آنها کمک گرفت، تدریس و در اختیار کارشناسان و دانش پژوهان گذاشته شود.

در این مقاله تحولات برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش، در چهل سال گذشته به لحاظ قلمرو سیاسی - جغرافیایی، زمانی، نوع فعالیت‌های آموزشی و بالاخره از نقطه نظر اجرایی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

از آقای عبدالحسین نفیسی کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزش و پرورش سازمان برنامه و بودجه که حاصل تجربیات مستند خود را در این زمینه به رشته تحریر درآورده و برای انتشار در اختیار فصلنامه قرار داده‌اند. قدر دانی می‌شود. امیدوارم تسوفیق یسایند همان‌طور که قبلاً نوید داده‌اند به همکاری خود برای بررسی تحولات مقولات دیگر برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش با ما ادامه دهند.

فصلنامه

## مقدمه

در مقاله گذشته ضمن بررسی تعریفهایی که برای برنامه‌ریزی آموزش و پرورش در نشریه‌ها و کتابهای دانشگاهی ارائه شده است، تعریف برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش و وجوه تمایز آن با برنامه‌ریزی درسی و طراحی نظام آموزش و پرورش نیز بیان شد. سپس به اختصار سابقه‌ای از برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی اجتماعی، و فرهنگی در ایران از ۱۳۲۷ تاکنون و به دنبال آن تاریخچه برنامه‌ریزی آموزش و پرورش با تأکید بیشتر بر برنامه‌ریزی توسعه، ارائه شد.

اکنون جا دارد بار دیگر بر اهمیت بازنگری تجربه ایران در زمینه برنامه‌ریزی توسعه و لزوم انجام آن در این برهه از زمان که کلیه سازمانها و وزارتخانه‌های متصدی امر آموزش و پرورش (اعم از عمومی، فنی و حرفه‌ای و عالی) هریک به شکلی در حال تجدید نظر در سازماندهی تشکیلات و امور اجرایی خود برای توجه بیشتر به امر برنامه‌ریزی هستند، تأکید شود و جهاتی که شایسته است تجربه برنامه‌ریزی آموزش و پرورش به آن لحاظ مورد بازنگری قرار گیرد، بار دیگر مرور شود، این جهات عبارتند از:

- ۱ - سطوح و قلمرو برنامه‌های آموزش و پرورش (شامل برنامه‌ریزی از ابعاد جغرافیایی و زمانی، محدوده و قلمرو آموزش و پرورش: عمومی، فنی و حرفه‌ای و عالی، و بالاخره قلمرو اجرایی آن: دولتی، غیر دولتی، و یا فعالیتهای جاری - عمرانی)
- ۲ - نظام و شیوه برنامه‌ریزی آموزش و پرورش (شامل نظام تهیه، تصویب، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها و فنون و روشهای به کار گرفته شده در تعیین اهداف، گزینه‌ها و محاسبات

۳ - محتوای برنامه‌های آموزش و پرورش و ارزیابی چگونگی اجرای (هدفها، راهبرها، برنامه‌های اجرایی، منابع و ارزیابی چگونگی تحقق آنها)  
در این مقاله سطوح و قلمرو برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## مقاله اول

### قلمرو و سطوح برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش و تحولات آن در چهار

#### دهه گذشته

تحولات برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش به لحاظ سطح و قلمرو در ۴ قسمت زیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد:

(۱) قلمرو سیاسی - جغرافیایی

(۲) قلمرو زمانی

(۳) قلمرو فعالیتهای آموزشی

(۴) قلمرو اجرایی

#### قسمت اول: قلمرو سیاسی - جغرافیایی

متناسب با ساختار سیاسی و اداری کشور و سطوح تصمیم‌گیری و اجرایی متناظر با آن و با توجه به ماهیت عناصر تشکیل دهنده آموزش و پرورش و میزان پیچیدگی، کثرت و گستردگی جغرافیایی فعالیتها، در برنامه‌ریزیهای توسعه این بخش، سطوح زیر قابل تشخیص است: (۱) ملی یا کشوری (۲) ملی با ابعاد استانی (۳) استانی (۴) منطقه‌ای آموزش و پرورش (۵) آموزشگاهی (مؤسسه‌ای). بنابراین، تحولات هر یک از سطوح پنجگانه به شرح زیر است:

#### ۱ - برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در سطح ملی

در این سطح، برنامه کلان آموزش و پرورش در مورد کل کشور تهیه می‌شود و جایگاه بخش را در ارتباط با سایر بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در برنامه‌های توسعه روشن می‌کند. تصویر کلی برنامه کلان بخش از این قرار است: تفکیک هدفهای کمی این سطح از برنامه، عمدتاً از تقسیم‌بندی برحسب دختر و پسر و شهر و روستا در هر یک از زیربخشهای آموزش و پرورش (به اصطلاح برنامه‌ها) تجاوز نمی‌کند و سیاستها و

خط مشی‌ها بیشتر به وجوه و مسائل مشترک و فراگیری کشوری، در هر یک از زیربخشها، معطوف می‌شود. منابع انسانی و مالی نیز برحسب نوع (معلم، کارمند یا بودجه جاری، عمرانی) در هر زیر بخش شکسته می‌شود. این سطح از برنامه، از حداقل تفصیل برخوردار است.

در برنامه‌های اول و دوم عمرانی، به دلیل ماهیت برنامه، که از کنار هم قرار دادن چند پروژه تشکیل شده بود، اصولاً به جنبه برنامه‌ریزی کلان آموزش و پرورش توجهی مبذول نشده بود، ولی برنامه توسعه بخش آموزش و پرورش در برنامه‌های پنج ساله عمرانی سوم تا ششم و نیز دو برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، در همین سطح تهیه شده است.

در تجارب گذشته، تدوین این سطح از برنامه براساس پیشنهادهای تهیه شده توسط مراجع مسئول تهیه برنامه بخش (معمولاً به تعداد وزارتخانه‌های درگیر)، عمدتاً توسط سازمان برنامه و بودجه صورت گرفته است، هر چند که موافقت ضمنی دستگاههای عمده اجرایی نیز جلب شده است. برنامه‌های اول تا سوم از این قاعده مستثنی بوده است. در این برنامه‌ها سازمان برنامه (بودجه) خود پیشنهادکننده اصلی برنامه نیز بوده است. البته این کار را با مشورت و بعضاً مشارکت کارشناسان و مسئولان دستگاههای اجرایی انجام می‌داده است.

در مجموع، از مشاهده استاد برنامه‌ها برمی‌آید که این سطح برنامه به تدریج طی برنامه‌های اول تا سوم بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و از برنامه چهارم عمرانی به بعد به شکل ثابت خود رسیده است و از آن پس در برنامه‌ها تقریباً الگوی مشابهی تکرار شده است.

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## ۲ - برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در سطح ملی با ابعاد استانی

علی‌الاصول این سطح از برنامه را نمی‌توان به عنوان یک سطح مستقل مطرح کرد و باید برنامه‌ریزی در سطح ملی به این بعد نیز پردازد. اما از آنجا که عموماً در تجارب گذشته از این امر غفلت شده است و از لحاظ اجرایی خاصه در آموزشهای عمومی این بُعد از برنامه‌ریزی برای افزایش قابلیت اجرایی و بهبود کیفیت امر نظارت و ارزشیابی از برنامه کلان حائز اهمیت است، لذا به عنوان یک سطح مستقل در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است.

در این سطح، برنامه کلان آموزش و پرورش به لحاظ هدفها، منابع، سیاستها و خط مشی‌های اجرایی در بین استانها شکسته می‌شود و نقش هر استان در تحقق هدفهای هر زیر بخش و نیز سهم هر استان از منابع اختصاص یافته به بخش آموزش و پرورش تعیین می‌شود. در

واقع رابط این سطح از برنامه با برنامه توسعه آموزش و پرورش استانها، همانند رابطه برنامه کلان توسعه اقتصادی و اجتماعی با برنامه کلان توسعه آموزش و پرورش است. به لحاظ ماهیت امر، این سطح از برنامه حاوی بحث انگیزترین و حساسترین مسائل آموزش و پرورش - یعنی تعادل منطقه‌ای توزیع امکانات و منابع - می‌شود و به همین دلیل نیز از ظرافت و پیچیدگی بیشتری برخوردار است.

این سطح از برنامه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در هنگام تهیه برنامه‌های ملی مطمح نظر نبوده است. مگر در برنامه ششم عمرانی کشور که در آن سازماندهی ویژه‌ای برای تدوین برنامه استانی به عمل آمده است (مآخذ ۱۸ و ۱۹). چون مسیر تهیه برنامه ششم تا مراحل تصویب نهایی و اجرا دنبال نشده است، لذا استفاده از پیشنهادهای استانها در جمع‌بندی برنامه‌های ملی متوقف مانده است و اسناد مورد بررسی از این لحاظ ناقص است. علاوه بر این در مطالعات منطقه‌ای که توسط مؤسسات مشاور خارجی یا گروه کارشناسان داخلی انجام شده تا حدودی به این سطح برنامه توجه شده است ولی هیچگاه از جامعیت و پوشش کامل برخوردار نبوده است. پس از استقرار جمهوری اسلامی، دومین تجربه سازمان یافته برنامه‌ریزی، در سال ۱۳۶۱، در این زمینه صورت گرفت. سازمان برنامه و بودجه استانها با همکاری شورای برنامه‌ریزی استان، برنامه توسعه آموزش و پرورش استان را تدوین کرد و سپس با شرکت در مجمع تلفیق برنامه‌های بخشی و منطقه‌ای، جنبه استانی برنامه‌ها، به همراه برنامه کشوری مورد بررسی قرار گرفت. از نتایج این تجربه، در سند برنامه اول توسعه (۶۶ - ۱۳۶۲) فقط دو جدول توزیع افزایش دانش‌آموزان و توزیع مجموع اعتبارات جاری و عمرانی برحسب استانها آورده شده است (مآخذ ۲۴ ص ۴۰ - ۳۱). اما چون از سال ۱۳۶۳ به بعد عملیات برنامه‌ریزی توسعه متوقف شد و یا به صورت سازمان یافته دنبال نشد، به خودی خود تهیه برنامه‌های اجرایی و تطبیق برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش استانها با سقف اعتبارات تعیین شده و اهداف کمی هر استان و خلاصه، نهایی کردن و به تصویب رساندن برنامه هر استان انجام نگرفت. یادآوری می‌شود که عملیات انجام شده برای تهیه برنامه ۶۶ - ۱۳۶۲ فراتر از محدوده «برنامه‌ریزی در سطح ملی با ابعاد استانی» می‌باشد و قسمتی از عملیات سطح سوم برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش را نیز در برمی‌گیرد.

تجربه دیگری در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ در وزارت آموزش و پرورش (معاونت برنامه‌ریزی و هماهنگی امور استانها) صورت گرفته که نتایج آن منتشر نشده است، ولی به پاره‌ای از آنها در جلسات کمیته برنامه‌ریزی آموزش و پرورش عمومی وابسته به شورای برنامه‌ریزی آموزش و فرهنگ که مسئول تهیه پیش‌نویس برنامه توسعه آموزش و پرورش دوره پنجساله ۶۸ - ۱۳۷۲ بوده است، اشاره شده است.

در هنگام تهیه برنامه توسعه ۶۸ - ۱۳۷۲ به دلیل کمی فرصت، به این بُعد از برنامه پرداخته نشده است. و این نقطه ضعف تجربه برنامه‌ریزی سال ۱۳۶۷ را مقایسه با تجربه سال ۱۳۶۱ است که فقط به بخش آموزش و پرورش نیز محدود نمی‌شود. اما برای جبران این نقیصه و در ادامه عملیات مربوط به تهیه برنامه توسعه ۶۸ - ۱۳۷۲ برای بخش آموزش و پرورش عمومی، توسط واحد مربوط در سازمان برنامه و بودجه، مطالعاتی در این زمینه صورت گرفته است که هنوز به مرحله نهایی نرسیده است. (مآخذ ۴۰ - جلد سوم).

اصولاً باید انتظار داشت، به تدریج که نهادهای برنامه‌ریزی در سطح استان قوت می‌گیرند (سازمان برنامه و بودجه استان، معاونت برنامه‌ریزی استانها، هسته‌های آمار و برنامه‌ریزی در ادارات کل آموزش و پرورش) و پشتیبانی قانونی که از آنها به عمل می‌آید (ضمن چند تبصره قانون برنامه اول توسعه - مآخذ ۴۱ - ص ص ۸ و ۹)، و بخصوص با آگاهی بیشتر و مشارکت نمایندگان حوزه‌های انتخابیه در مجلس شورای اسلامی و اصرار آنان برای دریافت سهم استان از برنامه توسعه، روند این حرکت که در چهارمین دهه از چهار دهه توسعه، آغاز شده و رو به تعالی بوده است، به یمن مردمی‌تر شدن تصمیم‌گیریها، با توان و کیفیت افزونتری در آینده ادامه یابد.

تدوین این سطح از برنامه در دور اول فرایند برنامه‌ریزی توسط واحدهای ستادی وزارت آموزش و پرورش و با مشارکت مدیریت مربوط در سازمان برنامه و بودجه، قابل انجام است. ولی تدوین نهایی آن پس از دریافت نظرات و برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش پیشنهادی استانها و نیز نظرات واحد مسئول تلفیق برنامه‌های منطقه‌ای در سازمان برنامه و بودجه، قابل انجام خواهد بود.

به طور کلی، جمع‌بندی تحولات برنامه‌ریزی در این سطح، از این قرار است که: در فرایند تفصیلی یافتن برنامه‌های توسعه و اجرایی شدن آنها، در هر یک از برنامه‌های عمرانی، این حلقه از عملیات، تا زمان تهیه برنامه ششم عمرانی، مورد اعتنا واقع نشده است. اگر این مسامحه در برنامه‌های اول و دوم، هم به لحاظ کم اهمیت بودن سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش، و هم به علت تشکیل شدن برنامه از چند طرح کنار هم چیده شده، چندان محسوس نبوده است، در برنامه‌های سوم عمرانی به بعد، عواقب این بی‌توجهی به شکل عدم توازن بین امکانات و ظرفیتهای آموزش و پرورش در استانها بروز کرده است که آثار آن را در پراکندگی شدید نسبت با سوادان استانها در سرشماریهای سالهای ۳۵، ۴۵، ۵۵، ۱۳۶۵ یا تفاوت پوشش تحصیلی در سطح آموزش ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در مناطق مختلف کشور می‌توان مشاهده کرد. (این موضوع در بحث از مقوله‌های بعدی دنبال خواهد شد).

اوج توجه به این مسأله در سال ۱۳۶۱، یعنی زمان نخستین تجربه جمهوری اسلامی در

امر برنامه‌ریزی توسعه، مشاهده می‌شود. ولی به علت نهادی نشدن این نگرش در نظام آموزش و پرورش کشور به طور اخص، و در نظام برنامه‌ریزی کشور به طور اعم، این تجربه تداوم نیافته و کامل نشده است. حرکت جدید سازمان برنامه و بودجه، در صورت آمیخته شدن با تلاش مراجع سیاست‌گذاری و تصویب قوانین برای رفع نایربریه‌های استانی، قطعاً می‌تواند عامل محرک جدیدی برای پرداختن به این مهم و کمک به پذیرش این بینش در درون دستگاه‌های اجرایی وزارت آموزش و پرورش شود.

### ۳ - برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در سطح استان

در این سطح، برنامه کلان توسعه آموزش و پرورش استان به لحاظ هدفها، منابع، خط‌مشی‌ها و سیاستهای اجرایی به صورت نهایی و در قالب اعتبارات و اهداف مصوب برنامه توسعه بخش (محصول سطح دوم برنامه‌ریزی) تدوین شده و سپس بین مناطق آموزش و پرورش استان شکسته می‌شود به طوری که نقش هر منطقه آموزش و پرورش در تحقق اهداف هر زیربخش در استان و نیز سهم هر منطقه از منابع اختصاص یافته به استان در بخش آموزش و پرورش عمومی مشخص شود.

در این سطح از برنامه، قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، کوششها و تجارب فراوان اما پراکنده و هدایت نشده و با کیفیت و بیچیدگی متفاوت، توسط گروههای مشاور، کارشناسان آموزش و پرورش و یا سازمان برنامه و بودجه استانها صورت گرفته است که انعکاس آن را در طرحهای جامع استانها و یا مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین می‌توان مشاهده کرد. سازمان یافته‌ترین حرکت در این زمینه همان طور که در بند ۲ به آن اشاره شد، در سالهای ۵۵ - ۱۳۵۶ برای تهیه برنامه ششم و در سال ۱۳۶۱ برای تهیه برنامه پنجساله ۶۶ - ۱۳۶۲ و تا حدودی در مطالعات مربوط به آمایش سرزمین در استانها در سالهای ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۸، انجام گرفته است، که چون در مورد برنامه ششم حتی از تصویب هیأت دولت یا شورای اقتصاد نگذشت و در مورد برنامه سال ۱۳۶۱ از یک طرف به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی نرسید و از طرف دیگر به دلیل عدم تشکیل شوراهای برنامه‌ریزی شهرستان، به بُعد منطقه‌ای آموزش و پرورش در استان توجه چندانی مبذول نشده بود، آن را می‌توان به عنوان برنامه‌ریزی دور اول تدوین برنامه در فرایند برنامه‌ریزی در این سطح طبقه‌بندی کرد. بدین ترتیب که این نوع برنامه‌های متتبع، فقط وقتی می‌توانند معنادار شده و با اطمینان خاطر به اجرا گذارده شود که در چارچوب برنامه‌های توسعه ملی گنجانیده شود. و از آنجا که برنامه‌های ملی، به شرحی که در بند ۲ گذشت، فاقد ابعاد استانی بوده است، لذا این اقدامات خودجوش استانها به صورت ابرتر باقی مانده است. در همین زمینه باید به مطالعات آمایش سرزمین و برنامه‌های جامع استانها اشاره کرد. تا

آنجا که از مطالعه اسناد و مدارک مربوط به آمایش سرزمین از یک طرف، و برنامه‌های توسعه ملی از طرف دیگر برمی‌آید، اصولاً حرکت مطالعات آمایش سرزمین به صورت یک جریان موازی عمل کرده است و در فرایند برنامه‌ریزی توسعه، برای آن جایگاه خاص در نظر گرفته نشده است. حداقل در مورد بخش آموزش و پرورش این حکم کاملاً صادق است.

در نظام برنامه‌ریزی برنامه اول توسعه ۱۳۶۸ - ۱۳۷۲، اصولاً جایگاه برنامه‌ریزی استانی به صورت مبهم بیان شده است و مهلت کوتاهی که برای تدوین برنامه قرار داده شده بود اصولاً اجازه نمی‌داد فرایند رفت و برگشت اطلاعات، سیاست‌گذاری و تخصیص منابع و تدوین و تصویب برنامه‌های اجرایی بین شوراهای برنامه‌ریزی و استانها فعال شود. بنابراین هر استان بنا به موقعیت و جو محل، در زمینه توسعه آموزش و پرورش فعالیتی را انجام داده است که عمدتاً به صورت پیشنهاد طرح‌های عمرانی به مدیریتهای بخشی سازمان برنامه و بودجه ارسال شده است. ولی در پی اقداماتی که در انتهای بند ۲ به آن اشاره شد، از برنامه‌های زمان‌بندی چنین برمی‌آید که استانها در چارچوب اعتبارات تخصیص داده شده برای بخش در ۵ سال آینده، این حرکت را به صورت جهت‌دار دنبال کنند.

نکته آخر این که چون در سطح استان، مسائل آموزش عمومی از سایر آموزشها تفکیک می‌شود، لذا پرداختن به بُعد استانی، عمدتاً معطوف به آموزشهای تا پایان متوسطه است؛ و کمتر مسائل آموزش عالی را در بر می‌گیرد. مسائل آموزشهای نوع اخیر، جنبه کشوری داشته و تصمیم‌گیریهای مرتبط با آنها، قانوناً بر عهده شورای گسترش آموزش عالی محول شده است.

به طور کلی تحولات این سطح از برنامه‌ریزی را می‌توان چنین جمع‌بندی کرد: تا سال ۱۳۵۶، به تبع گرایش کلی حاکم بر کشور، چندان توجهی به برنامه‌ریزی استانی، به صورت هدایت شده نمی‌شده است. ولی از آن پس، با آنکه توان فنی نسبتاً قابل توجهی در استانهای کشور گرد آمده است، ولی به دلیل کم توجهی واحدهای مسئول برنامه‌ریزی ملی به هدایت و جهت دادن و فراهم آوردن زمینه بر اع این حرکتهاى خودجوش، چندان ثمری از آنها عاید نشده است. این بی‌توجهی سبب شده است که همانند عدم تعادلی که در مورد استانها، از حیث امکانات و ظرفیتهای آموزشی مشاهده می‌شود، در مناطق آموزش و پرورش داخل هر استان نیز، این نابرابریهای آموزشی به وجود آید. اما اقداماتی که در زمینه محرومیت‌زدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفته است، به تدریج این بینش را در مجموعه سیاست‌گذاران کشور ایجاد کرده است که رفع محرومیت ممکن نیست مگر آنکه محرومیتها شناسایی و اندازه‌گیری شده و نتایج آن در تخصیص منابع در داخل هر استان و بین استانها، دخالت داده شود. مطالعات سازمان برنامه و بودجه در زمینه شناسایی استانها، شهرستانها، و بخشهای محروم که به تدریج ارزش آن با پشتوانه‌های قانونی مانند تبصره‌های ۵ و ۶ قانون برنامه اول جمهوری اسلامی



(مأخذ شماره ۴۱ - ص ۸) بیشتر شناخته می‌شود، از گرایشهای مثبت در این زمینه است که می‌تواند موجبات ادامه فعالیتهایی را که در حال حاضر در سازمان برنامه و بودجه در دست انجام است، فراهم آورد.

#### ۴ - برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در سطح منطقه

در این سطح، که خاص آموزشهای عمومی است و ندرتاً دامنه آن به آموزشهای فنی و حرفه‌ای و یا عالی کشیده می‌شود، برنامه آموزش و پرورش منطقه به لحاظ هدفها و منابع، در قالب اعتبارات و هدفهای مصوب برنامه توسعه آموزش و پرورش در استان ذی‌ربط (محصول سطح سوم برنامه‌ریزی) به صورت نهایی تدوین می‌شود و سپس نقش آموزشگاههای موجود در تحقق هدفها مشخص شده و چگونگی توسعه یا نوسازی آموزشگاههای موجود و حدود ظرفیتهای جدیدی که باید احداث شود، تعیین می‌گردد و بدین ترتیب حجم عملیات و اعتبارات طرحهای تکمیل، توسعه، نوسازی یا احداث آموزشگاههای منطقه به همراه منابع مالی و انسانی مورد نیاز برای گردش کار آنان مشخص می‌شود. در واقع در این سطح، طرح استقرار مدارس\* به مفهوم فنی آن تهیه می‌شود. تا آنجا که اطلاعات موجود نشان می‌دهد در این زمینه قبل از پیروزی انقلاب، به جز طرح تحقیقاتی شاهرود (مأخذ ۲۱ و ۲۲) به طور مستقل و جامع که تمامی عوامل مؤثر در آموزش و پرورش را در فرآیند برنامه‌ریزی وارد کند، کار دیگری انجام نشده است. هر چند این طرح فقط دوره ابتدایی را برای دو برنامه پنجساله عمرانی پوشش می‌دهد ولی به لحاظ آنکه شیوه کار به سایر سطوح آموزشی نیز به سهولت قابل تعمیم است؛ و همچنین از نظر کار سنجیده‌ای که با همکاری کارشناسان یونسکو انجام شده است، لذا از آن می‌توان به عنوان نمونه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در سطح منطقه، یاد کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی احتمال می‌رود در این سطح کارهای متعددی صورت گرفته باشد. خاصه در ادارات کل آموزش و پرورش استانها، که به دلیل عدم انتشار نتایج اسناد و گزارش آنها، اطلاع و استفاده از این تجربیات مقدور نیست. ولی سازمان برنامه و بودجه آذربایجان شرقی برای شهرستان هشتروند مطالعه‌ای از وضع موجود به عمل آورده و برای بهبود آن پیشنهادهایی ارائه داده است. که هر چند از لحاظ برنامه‌ریزی توسعه ناقص بوده و قدمی در جهت تکمیل تجربه شاهرود برداشته نشده است و حتی می‌توان گفت بدون آگاهی از تجربه اخیر، مطالعه هشتروند صورت گرفته است، ولی اطلاعات وسیعی گردآوری شده است که از آنها می‌توان در طرح استقرار مدارس در هشتروند استفاده کرد (مأخذ ۲۳). البته این نوع برنامه‌ریزی دامنه شمول

وسیعتری نسبت به «برنامه‌ریزی توسعه نیروی انسانی» داراست که از هنگام منطقه‌ای شدن آموزش و پرورش کشور و تشکیل شوراهای آموزش و پرورش مناطق در وزارت آموزش و پرورش صورت می‌گرفته و در واقع ردیفهای استخدامی را بین مناطق کشور توزیع می‌کرده است. این گونه برنامه‌های توسعه جنبه سالانه داشته و حاوی پیش‌بینی تعداد دانش‌آموزان و تعداد کلاسهای مورد نیاز به منظور تعیین نیروی انسانی مورد نیاز مناطق بوده است.

همچنین این برنامه‌ریزی نمی‌تواند به مجموعه طرحهای عمرانی که در یک منطقه جغرافیایی به اجرا گذاشته می‌شود، اطلاق شود. در حال حاضر در طرحهای عمرانی استانی بُعد منطقه‌ای (شهرستان و بخش) تا حدودی رعایت می‌شود، اما به دلیل آنکه این طرحها در قالب یک حرکت جامع هدفدار، بررسی و گزیده نمی‌شود، نمی‌توان آنها را تحت عنوان برنامه توسعه منطقه به شمار آورد.

بدین ترتیب، مراجع برنامه‌ریزی آموزش و پرورش کشور در مورد این سطح از برنامه‌ریزی فاقد تجربه هستند. لازمه هر گونه اقدام جدی در این زمینه، اولاً، توجه به سطوح قبلی برنامه‌ریزی است که بدون انجام صحیح آنها، عملاً برنامه‌ریزی منطقه‌ای آموزش و پرورش ناگزیر به صورت انتزاعی انجام می‌شود و از نظر تأمین منابع در مخاطره قرار می‌گیرد. ثانیاً، حاکم شدن روح برنامه‌ریزی در امور روزمره مناطق آموزش و پرورش، خاصه در زمینه تخصیص فضاهای آموزشی و کارکنان به سطوح مختلف تحصیلی و انواع آموزشهاست. بدون این کار، اطلاعات پایه مورد نیاز توسعه، در منطقه جمع‌آوری نمی‌شود و اگر هم به صورت موردی یا ضربتی جمع‌آوری اطلاعات پایه، یک بار انجام شود، صورت مستمر (سریهای زمانی) به خود نخواهد گرفت. در حال حاضر که اطلاعات پایه به صورت سالانه و بدون هدف مشخصی جمع‌آوری می‌گردد، برای برنامه‌ریزی عملیاتی و نیز برنامه‌ریزی توسعه کفایت نمی‌کند. به تدریج با وارد شدن ابزار مناسب برای پردازش سریع داده‌ها (کامپیوتر) به مناطق و نیاز ناشی از کثرت دانش‌آموز و افزایش درخواستها برای توزیع عادلانه و منطقی امکانات و منابع، امید می‌رود روحیه مناسبی برای انجام این مهم در مناطق حاکم گردد.

تدوین این سطح از برنامه در قالب اعتبارات و هدفهای مصوب، توسط کارشناسان آموزش دیده منطقه آموزش پرورش و با سرپرستی کارشناسان اداره کل آموزش و پرورش استان باید صورت پذیرد. همکاری کارشناسان برنامه‌ریزی فعالیتهای تولیدی و زیربنایی استان، خاصه جهاد سازندگی، بهداشت و درمان، کشاورزی، راه و ترابری و وزارت کشور، (و در مورد شهرها، شهرداریها) در این زمینه ضروری است.

در اهمیت این سطح از برنامه‌ریزی باید افزود که چون کوچکترین واحد اداری و اجرایی آموزش و پرورش در ماوراء سطح آموزشگاه، منطقه آموزش و پرورش است، در صورتی که به

تقویت نهاد برنامه‌ریزی در این سطح اقدام نشود، برنامه‌های سطوح بالاتر در حد کلیات و انشاهای زیبا باقی خواهند ماند. و روند گذشته کماکان با تمام وزن خود، خط سیر آینده آموزش و پرورش را تعیین خواهد کرد. از طرف دیگر، به دلیل رواج روشهای آمرانه اجرایی در آموزش و پرورش، مادامی که قیومیت مدارس بر عهده مناطق آموزش و پرورش محول است، مسئولیت توسعه و نوسازی و تکمیل و بهره‌برداری بهینه از ظرفیت مدارس نیز، نه بر عهده خود مدرسه، بلکه بیشتر متوجه مناطق آموزش و پرورش خواهد بود، و از این لحاظ حساسیت این سطح از برنامه‌ریزی دو چندان می‌شود.

جمع‌بندی تحولات گذشته در این سطح برنامه‌ریزی، آن است که در پی بی‌توجهی که نسبت به سطوح پیشین برنامه‌ریزی صورت گرفته، اصولاً زمینه لازم و ابزار مناسب برای انجام این سطح برنامه‌ریزی در کشور به وجود نیامده است. هر چند که زمینه فرهنگی و حقوقی مناسبی (از جمله لایحه شوراهای آموزش و پرورش مناطق) برای اینکه برنامه‌ریزی در این سطح مورد عنایت قرار گیرد، در حال شکل‌گیری است و می‌توان امیدوار بود که بر این زمینه نسبتاً مساعد، امکان رویش بذر نهادهای برنامه‌ریزی منطقه آموزش و پرورش فراهم آید.

#### ۵ - برنامه‌ریزی آموزش و پرورش در سطح مؤسسه آموزشی

این سطح، آخرین حلقه از زنجیره برنامه‌ریزی است که در ایران از یک لحاظ کاملاً فراموش شده و به لحاظی تنها نوع برنامه‌ریزی است که عملاً به اجرا گذاشته می‌شود. مفهوم این مطلب در پایان این بحث روشن می‌شود.

برنامه‌ریزی در سطح مؤسسه آموزشی، مترادف با برنامه‌ریزی در سطح بنگاه‌هاست که در فرهنگ برنامه‌ریزی جایگاه ویژه‌ای دارد. این فعالیت به طور کلی در آموزش و پرورش زمینه رشد نیافته است؛ زیرا از زمانی که تعلیم و تربیت ایران به شیوه جدید سازماندهی شده و استقرار یافته است، مدارس نیز به عنوان یک واحد اداری در تشکیلات وزارت آموزش و پرورش (یا معارف یا فرهنگ و یا...) شناخته شده و به صورت متمرکز، توسط اداره کل استان یا واحدهای ستادی وزارتخانه امور مربوط به تأسیس و توسعه آنها هدایت شده است. مدیر مدرسه، کارمند منتصب نظام اداری شناخته می‌شود که همواره مترصد است تکالیف و وظایف و منابع مالی و انسانی مورد نیاز او در خارج از مدرسه تعیین و تأمین شود و به تبع آن، مسایل و مشکلات مدرسه نیز توسط مسئولان مافوق حل و فصل شود. بنابراین برنامه‌ریزی در سطح آموزشگاه، با این خصوصیت، محدود می‌شود به چگونگی توزیع دانش‌آموزان در کلاسهای موجود و تخصیص معلمان به کلاسهای تشکیل شده. این روالی است که به استثنای چند مدرسه دولتی اما مستقل (همانند مدرسه البرز) همواره در گذشته بر آموزشگاههای آموزش و پرورش

حاکم بوده است و در طول اجرای چند برنامه عمرانی نیز تغییری نیافته است. البته مؤسسات آموزشی دانشگاهی که زمانی در زمره آموزش و پرورش قرار داشتند، به دلیل استقلال اداری و مالی و تا حدی آموزشی از این روند عمومی مستثنی بوده‌اند.

ولی از یک دیدگاه دیگر می‌توان گفت که عملاً اجرای برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش در ایران، حداقل از نظر فضای آموزشی، همواره با توجه به برنامه‌ریزی در سطح مؤسسه آموزشی انجام شده است. زیرا از ابتدا، روش تخصیص اعتبارات عمرانی بر اساس «طرح و پروژه» و مبادله موافقتنامه بین دستگاه اجرایی و سازمان برنامه و بودجه مبتنی بوده است. در برنامه‌های اول و دوم که برنامه از کنار هم گذاشتن پروژه‌های عمرانی مستقلی تشکیل شده بود، اساساً این شیوه مبنای تدوین برنامه‌های عمرانی قرار گرفت و اثر خود را تا پایان برنامه پنجساله پنجم نیز بر برنامه‌های عمرانی حفظ کرد. با این تفاوت که به تدریج که برنامه‌های عمرانی پنجساله جامعیت و کلیت بیشتری می‌یافت، بین هدفها و سیاستهای برنامه و آنچه در عمل به عنوان برنامه به اجرا درمی‌آمد، یعنی طرحهای عمرانی، ارتباط کمتری برقرار می‌شد. این گسیختگی بین حلقه‌های زنجیره برنامه‌ریزی، سبب شده است که در قلمرو بخش آموزش و پرورش، هدفهای آموزشی تحت فشار اجتماعی برای دریافت خدمات آموزشی، به هر طریق ممکن تحقق یابد ولی امکانات و منابع متناسب با آن، در اختیار بخش قرار نگیرد و یا به طور ناهمگن و نامتعادل در سطح کشور توزیع شود.

از نمونه‌های بارز برنامه‌ریزی در سطح مؤسسه آموزشی، تهیه برنامه‌های جامع پاره‌ای از دانشگاههای کشور است. ولی به یک معنا تمامی طرحهای عمرانی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی را می‌توان جزئی از یک برنامه‌ریزی توسعه در سطح مؤسسه به حساب آورد. مثالهای چندی هم در زمینه آموزش فنی و حرفه‌ای می‌توان ارائه داد، اما کوچک بودن ظرفیت مؤسسات آموزش عمومی و عدم استقلال اجرایی آنها، اصولاً زمینه‌ای را برای این نوع برنامه‌ریزی فراهم نمی‌آورد. بدین لحاظ - صرفنظر از مؤسسات تربیت معلم و اردوهای پرورشی که عملیات جاری و عمرانی آنها قابل توجه است - برای مدارس کودکان استثنایی، ابتدایی، و راهنمایی و متوسطه، این سطح از برنامه‌ریزی در ایران، با سطح ماقبل آن یعنی برنامه‌ریزی منطقه‌ای همراه یکدیگر و به عنوان یک فعالیت معنا و مصداق می‌یابد. مگر آنکه مدرسه، یک مؤسسه غیرانتفاعی بوده و از استقلال در تصمیم‌گیری برای توسعه خود برخوردار باشد.

در جمع‌بندی نهایی، در اینجا نیز جای خالی برنامه‌ریزی در سطح منطقه و اثرات مترتب بر آن، که به بی‌برنامگی مؤسسات آموزشی می‌انجامد، به خوبی احساس می‌شود. اما نظر به عدم استقلال اجرایی و اداری آموزشگاهها، انتظار نمی‌توان داشت که بدون تغییر کلی در شیوه‌های

اداری و اجرایی، خاصه واگذاری اختیارات بیشتر به واحدهای آموزشی، تغییر عمده‌ای در این وضعیت حاصل شود.

## ۶ - جمع‌بندی روند گذشته

از مباحثی که در ۵ بند گذشته مطرح شد، این نتیجه را می‌توان گرفت که تجربه مداوم و حداقل ۴۰ ساله برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در بُعد پوشش جغرافیایی، از سطح کلان یا کشوری تجاوز نکرده است. فعالیت‌هایی که در سطوح دیگر انجام شده است به علت مقطعی و موردی بودن، نمی‌تواند نشان‌دهنده جهت‌گیری خاصی در ایران باشد. محدود ماندن سطح برنامه‌ریزی به محدوده کشوری و پرداختن به برنامه‌ریزی کلان توسعه، که بیشتر به تکرار مداوم آرمانها و هدفهای کیفی و توصیه‌ها و بیان آرزوها منحصر می‌شود، سبب شده است که اصولاً زمینه و چهارچوب مساعدی نیز برای انجام برنامه‌ریزی در سطوح دیگر به وجود نیاید.

ولی چون به هر حال در چهارچوب برنامه کلان، اعتبارات طرحها و بودجه‌ها تخصیص می‌یابد، مسأله به صورت ادامه روند گذشته و ادامه طرحهای قبلی از یک طرف، و تسلیم شدن در برابر فشارهای سیاسی وارده از طرف مسئولان دستگاهها و مسئولان اجرایی استانها، نمایندگان مجلس و سلیقه‌های شخصی کارشناسان از طرف دیگر، درآمده است و این مجموعه ناهمگن و گاه متضاد در شکل دادن به سیمای آموزش و پرورش کشور، جای برنامه‌ریزی مدبرانه و از روی آگاهی و شناخت را پر کرده است.

اینک وقت آن رسیده است که به شرح تحولات برنامه‌های توسعه از جنبه زمانی پردازیم.

## قسمت دوم - قلمرو زمانی برنامه‌های توسعه و تحولات آن

بعد زمان در برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش، نقش کلیدی را بر عهده دارد. زیرا تغییرات پیشنهادی در فعالیت‌های آموزشی، برای آنکه به شکل ملموس و قابل سنجش و ارزیابی بروز کند، نیازمند گذشت زمانی نسبتاً طولانی می‌باشد، اما هر چه این زمان طولانیتر شود، برنامه‌ها آرمانی‌تر تهیه شده و از واقعیت‌های روزمره فاصله بیشتری پیدا می‌کند، و دفاع از آنها به هنگام رقابت بر سر منابع محدود، رقابتی که همواره بین بخشهای مختلف اجتماعی و اقتصادی در جریان است، دشوارتر خواهد شد. در این قسمت تحولات برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش از جنبه زمانی در انواع (۱) برنامه‌های درازمدت (۲) برنامه میان مدت پنجساله (۳) برنامه سالانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به دلیل ماهیت زمان‌بر و دیررس آموزش و پرورش، با آنکه برنامه‌های عمرانی تهیه شده ۵ یا ۷ ساله بوده‌اند، ولی در گذشته برنامه توسعه آموزش و پرورش عموماً در قالب هدفهای کیفی و کلی، سیاستها و استراتژیهای آموزشی و پرورشی برای دوره‌های بلندمدت بیش از دهسال در نظر گرفته شده‌اند. اگر هم این پیش‌بینی با صراحت در سند برنامه نیامده باشد ولی در عمل، ضرورت این توجه احساس شده است. به ترتیبی که مثلاً در تجربه اصلاح نظام آموزش و پرورش که اجرای آن از سال ۱۳۴۵ آغاز شد، عملاً یک دوره ۱۴ ساله از ۱۳۴۳ که مطالعات مربوط آغاز شد تا سال ۱۳۵۷ که اولین فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه عمومی نظام جدید به جامعه عرضه شد، به درازا کشید، لذا باید حداقل برای سه برنامه پنجساله عمرانی، اثرات و نیازهای ناشی از اجرای نظام جدید مورد مطالعه قرار می‌گرفت. در طرح «کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» نیز، شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش، زمان لازم را برای آماده کردن مقدمات اجرا تا ورود اولین فارغ‌التحصیلان دوره آموزش عمومی به جامعه، قریب ۱۵ تا ۱۶ سال در نظر گرفته است (مأخذ ۳۰ ص ۱۴۹).

توجه به چشم‌انداز درازمدت در تهیه برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش، نکته‌ای است که از دیرباز مورد توجه کارشناسان برنامه‌ریزی بوده و در مجامع علمی بین‌المللی نیز بر آن تأکید شده است. در ایران نیز از زمان تدوین برنامه سوم عمرانی کشور (سال ۱۳۳۹)، فکر برنامه درازمدت فرهنگ مطرح شده است، از جمله در همین برنامه به برنامه بیست و پنجساله فرهنگ کشور اشاره شده است (مأخذ ۱۰ ص ۲۲) هرچند که در مراکز اسناد و مدارک و کتابخانه‌های موجود از این برنامه اثری مشاهده نشده است. مقارن همین زمان در سطح منطقه آسیا نیز بر اثر توصیه کنفرانس وزیران و مسئولان آموزش و پرورش آسیایی در ۱۹۵۹ و ۱۹۶۲ برنامه معروف به «طرح کراچی» و نیز «الگوی توسعه آموزش و پرورش در آسیا در ۸۰-۱۹۶۵» مسأله همگانی کردن آموزش ابتدایی و برنامه‌ریزی درازمدت برای تحقق آن در کشورهای آسیا، از طرف یونسکو مطرح شده است (مأخذ ۳۱)، که دولت ایران نیز در این تمرین شرکت کرده و دورنمای ۲۰ ساله تعلیم و تربیت (۸۰-۱۹۶۰) را با همکاری کارشناسان جهانی تهیه کرده است (مأخذ ۱۳ ص ۲۲۳). و ظاهراً توسعه آموزش و پرورش در برنامه چهارم عمرانی کشور نیز در چهارچوب این برنامه تهیه شده است. همچنین توسعه آموزش و پرورش در برنامه پنجم عمرانی نیز در قالب یک برنامه ده ساله تهیه شده (مأخذ ۱۴ ص ۱۰۷) و بر همین منوال در تهیه یکی از پیش‌نویس‌های برنامه ششم عمرانی، پیش‌بینی اهداف کمی و کلی برای یک دوره دهساله صورت گرفته است (مأخذ ۱۷ آموزش و پرورش ص ۱). هرچند که قبیل از شروع عملیات تدوین برنامه ششم، یعنی از سال ۱۳۵۲ تهیه برنامه جامع و درازمدت آموزشی کشور

برای دوره ۵۱ - ۱۳۷۱ در دست اقدام بوده و گزارش کار آن در شهریور سال ۱۳۵۴ منتشر شده و احتمالاً در تدوین برنامه ششم نیز مورد استفاده قرار گرفته است (مأخذ ۳۳). در واقع این مطالعه علمی ترین و جامعترین مطالعه درازمدت آموزشی است که در کشور انجام شده و قسمتی از اسناد آن منتشر شده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اولین برنامه اول توسعه آموزش و پرورش نیز با توجه به یک چشم انداز بیست ساله ۶۱ - ۱۳۸۱ تهیه شده است (مأخذ ۲۶ ص ۲۱ - ۲ تا ۲۴ - ۲). و به همین ترتیب تهیه دومین برنامه اول توسعه آموزش و پرورش در چهارچوب چشم انداز ده ساله ۶۷ - ۱۳۷۷ تنظیم گردیده است (مأخذ ۲۷ ص ۲۹۹ - ۲۰۴). قبل از آن هم چشم انداز بیست ساله ۶۵ - ۱۳۸۶ آموزش و پرورش طی گزارشی برحسب تعداد دانش آموزان، نیروی انسانی و منابع مالی مورد نیاز تهیه شده بود (مأخذ ۲۸). علاوه بر آن در این زمان کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران شامل مبانی، اهداف، اصوم کلی و ساختار دوره‌ها و مراحل آموزش و پرورش که در خرداد ماه ۱۳۶۷ به تصویب شورای تغییر بنیادی آموزش و پرورش رسیده، برای تصویب نهایی در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح بود و مفاد آن خاصه به لحاظ سیاستها و هدفهای کلی و خط مشی‌های اجرایی برنامه‌ها، به عنوان چهارچوب درازمدت برنامه پنجساله اول توسعه آموزش و پرورش به طور وسیع مورد استفاده شورای برنامه‌ریزی آموزش و فرهنگ و کمیته‌های برنامه‌ریزی آن قرار گرفت (مأخذ ۳۰ - فصل سوم اصول کلی و مقایسه آن با مأخذ ۲۵ - فصل آموزش و پرورش عمومی - سیاستهای کلی و همچنین فصل، آموزش فنی و حرفه‌ای، راهبردها و سیاستهای کلی).

با این حال مشاهده نشده است که در نظام برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، به طور رسمی و جدی گزارش عملیات برنامه‌ریزی درازمدت آموزشی، بر طبق مقتضیات متناسب با این مهم در نظر گرفته شده و مسئولانه انجام آن از واحدهای ذی ربط خواسته شود. مسأله اصلی در این برنامه‌ها آن است که بیشتر به جنبه کمی و پیش‌بینی تعداد دانش آموز بستنده کرده و فاقد عناصر لازم در زمینه سیاست‌گذاری، و جنبه‌های کیفی و خاصه مکانیزمهای ارزشیابی و تصحیح عملکردها و برآوردهای گذشته است. طرح کلیات نظام آموزش و پرورش هرچند از این لحاظ غنی است اما فاقد سایر عناصر متشکله یک برنامه یعنی: هدفهای کمی و منابع مالی و انسانی است. تنها مورد قابل توجه، همان برنامه جامع و درازمدت آموزشی کشور است که در سال ۱۳۵۴ تهیه شده است. نکته مهم در اینجا، تداوم در کار مطالعات درازمدت و اصلاح شیوه‌ها و فنون برنامه‌ریزی بر اثر اطلاعات بازخوردی است. این حلقه در نظام برنامه‌ریزی کشور اصولاً فراموش شده است.

## ۲ - برنامه میان مدت پنجساله توسعه آموزش و پرورش

قالب زمانی تمامی برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش که تاکنون در ایران تهیه شده است، به تبعیت از برنامه‌های پنجساله عمرانی، همگی پنجساله بوده است. در برنامه هفت ساله اول و دوم به توسعه آموزش و پرورش عمومی با تعریفی که اکنون متداول است، توجهی مبذول نشده است.

این سطح برنامه، بیش از دیگر سطوح، موضوع سازماندهی و عمل قرار گرفته است و اذهان کارشناسان با شیوه و مفاد آن آشنایی بیشتری دارد. بدین لحاظ می‌توان گفت توان کارشناسی و گنجینه تجارب برنامه‌ریزی توسعه در این سطح نسبتاً قوی است و تا حدودی نظام جمع‌آوری آمار و اطلاعات نیز متناسب با نیازهای خاص این سطح از برنامه سازماندهی شده است.

## ۳ - برنامه سالانه توسعه آموزش و پرورش

این گونه برنامه‌ریزی که قاعده‌تاً باید مقدم بر تهیه بودجه‌های سالانه انجام گیرد، در ایران روال مشخصی ندارد و اصولاً در نظام برنامه‌ریزی کشوری جایگاهی برای آن در نظر گرفته نشده است. معمولاً در بخشنامه‌های بودجه به صورت صریح یا تلویحی تهیه برنامه سالانه مورد تأکید یا اشاره قرار می‌گیرد و گاهی هم از بودجه به عنوان برنامه سالانه یاد می‌شود، ولی عمده‌تاً دولت، در گذشته با ارائه برنامه خود، امر تهیه برنامه سالانه را انجام یافته تلقی می‌کرده است و چون این برنامه‌ها گزارشهای کوتاه و کلی بوده‌اند، غالباً فاقد تمامی عناصر متشکله یک برنامه عملیاتی، یعنی هدفها، سیاستها، اقدامات مشخص اجرایی، زمان‌بندی، منابع انسانی و منابع مالی بوده‌اند و معمولاً فقط به بیان هدفها و منابع مالی خلاصه شده‌اند. در آموزش و پرورش، طبق یک سنت تقریباً دو دهه‌ای، هر ساله «برنامه توسعه نیروی انسانی آموزش و پرورش کشور» تهیه می‌شود و استمرار این امر به دلیل الزام مکرر در قوانین بودجه است که اعتبار استخدا‌های جدید را به صورت یک جا در نظر می‌گیرد و سپس آموزش و پرورش و سازمان برنامه و بودجه را ملزم می‌سازد طی سال آن را بین استانها سرشکن کنند (ماخذ ۳۵). در سازمان برنامه و بودجه نیز به صورت پراکنده و غیرمنسجم یا نظام نیافته، اقداماتی برای تهیه برنامه سالانه آموزش و پرورش به عمل آمده است که معمولاً به عنوان پیش‌نویسی برای تهیه «برنامه دولت» یا «گزارش دولت به مجلس» در هنگام تقدیم لایحه بودجه از آنها استفاده شده است. (ماخذ ۳۶). آشفتگی که از این نظر مشاهده می‌شود به یک لحاظ می‌توان آن را به خصلت نمایشی بودن برنامه‌های توسعه پنجساله تعبیر کرد؛ بدین معنا که وقتی ماشین برنامه‌ریزی محصول خود را که تهیه و تدوین برنامه پنجساله است به اتمام رساند، از فعالیت باز می‌ماند تا دوباره برای پنجساله بعد،



تهیه برنامه دیگری مطرح شود و این ماشین کار خود را آغاز کند. این امر خاصه در دهساله گذشته که تهیه برنامه‌های پنجساله هم به شکلی نامرتب و با تردید مطرح بوده، بیشتر تشدید شده است.

عدم تهیه برنامه سالانه، به معنای عدم ارزیابی چگونگی تحقق برنامه پنجساله در سال مورد نظر و ایجاد گسستگی بین برنامه و بودجه است. چون بودجه فقط زمانی با برنامه پنجساله پیوند خواهد خورد که در قالب برنامه سالانه گنجانیده شود و با منطق حاکم بر آن جریان پیدا کند. در غیاب این برنامه، امر بودجه‌ریزی، بیشتر خصلت چانه‌زنی پیدا کرده و شکل‌گیری آن تحت فشارهای سیاسی و موضع‌گیریهای موزدی و مقطعی و سلیقه‌های شخصی انجام خواهد شد.

باید توجه داشت در برنامه‌های پنجساله، عموماً اعتبارات و تا حدودی هدفهای کمی، حداقل در برنامه‌های مهم، برحسب سالهای برنامه شکسته شده است، اما این گونه اطلاع ناقص و کلی را نمی‌توان به برنامه سالانه تعبیر کرد.

### قسمت سوم: تحولات قلمرو فعالیتهای آموزشی در برنامه توسعه آموزش و پرورش

منظور از قلمرو فعالیتهای آموزشی عبارت است از انواع و سطوح فعالیتهای آموزشی که در این بخش موضوع برنامه‌ریزی قرار می‌گیرند.

قلمرو بخش آموزش و پرورش در سابقه نزدیک به ۴۰ ساله برنامه‌ریزی توسعه در ایران دستخوش تغییرات چندی قرار گرفته است و به تبع آن برنامه‌های توسعه آن نیز تغییر یافته است. در برنامه سوم عمرانی کشور، یعنی هنگامی که برای نخستین بار به طور جدی برنامه‌ریزی بخشهای اجتماعی و از آن جمله آموزش و پرورش مشمول عنایت برنامه‌ریزان قرار گرفت، برنامه توسعه آموزش و پرورش تحت عنوان «فرهنگ» در برگیرنده اجزای زیر بود:

تعلیمات ابتدایی، برنامه مبارزه با بیسوادی، تعلیمات متوسطه، برنامه تربیت معلم، کودکانها و مهدهای کودک، برنامه هنرهای زیبا، برنامه تربیت بدنی، برنامه دانشگاهها، مدارس مخصوص، کتابهای درسی و کتابخانه‌های مدارس و کتابخانه‌های عمومی (ماخذ ۱۰).

روشن است که این مجموعه با وظایف و قلمرو عملیات وزارت فرهنگ آن زمان منطبق بود. در آن هنگام آموزشهای فنی و حرفه‌ای (از نازلترین تا عالیترین سطح دانشگاهی) در برنامه توسعه «نیروی انسانی» گنجانیده شده بود. برنامه‌ای که هم مسائل جمعیتی و نیروی کار و اشتغال و هم آموزشهای فنی و حرفه‌ای و کارآموزیها را در بر می‌گرفت (ماخذ ۱۱).

در برنامه چهارم عمرانی، مسائل فرهنگی و هنری، به مفهوم خاص، از آموزش و پرورش

منتزح شد و در مقابل آموزش فنی و حرفه‌ای و تلویزیون آموزشی به این بخش اضافه شد. بدین ترتیب اجزای این برنامه علاوه بر برنامه‌های آموزشی از کودکان تا دانشگاه شامل تحقیقات علمی، آموزشهای فنی و حرفه‌ای و اعزام به خارج کشور نیز شد (ماخذ ۱۳ ص ۲۵۲). امور تربیت بدنی به فصل رفاه اجتماعی و آموزش هنر به فصل فرهنگ و هنر انتقال یافت. در اینجا نیز قلمرو برنامه‌ها، از سازماندهی وزارتخانه‌ها و سازمانهایی که جدیداً از وزارت فرهنگ سابق منتزح شده بود، پیروی کرده است.

در برنامه‌های عمرانی پنجم و ششم، قلمرو فعالیتهای بخش، کماکان همانند برنامه چهارم عمرانی باقی ماند. با این تفاوت که در برنامه پنجم تلویزیون آموزشی منتزح و ورزش در مدارس به این بخش اضافه شد و در برنامه ششم، ورزش در مدارس بار دیگر منتزح شد و برای تحقیقات نیز فصل جداگانه علوم و پژوهش تشکیل گردید (ماخذ ۱۴ ص ۱۴۱ و ماخذ ۱۷).

در برنامه پنجاه اول جمهوری اسلامی ایران (تجربه سال ۱۳۶۱) برای نخستین بار تغییرات اساسی در قلمرو فعالیتهای داده شد و برای امور آموزشی، سه بخش جداگانه تحت عناوین «آموزش و پرورش عمومی»، «تحقیقات و آموزش عالی» و «آموزش فنی و حرفه‌ای» تشکیل شد و برنامه هر یک از این بخشها در نظام برنامه‌ریزی کشور جایگاه خاصی بدست آورد. در این زمان بخش آموزش و پرورش عمومی از اجزای زیر تشکیل می‌شد:

قبل از دبستان، کودکان استثنایی، ابتدایی، راهنمایی تحصیلی، متوسطه عمومی، تربیت معلم آموزش عمومی، امور تربیتی و پرورشی، کمک آموزشی، تحقیق و بررسی، امور اداری، آموزش بزرگسالان. (ماخذ، ۲۴۰، ص ۳۵ - ۲۱)

و اجزای آموزش فنی و حرفه‌ای عبارت بود از: آموزشهای پیراپزشکی، خدمات، کشاورزی و صنعت، تربیت معلم فنی و حرفه‌ای، عملیات کمک آموزشی، تحقیق و بررسی و خدمات اداری. (ماخذ ۲۴، ص ۳۲ - ۲۲).

در بخش آموزش عالی نیز به تبع نوع آموزشهای دانشگاهی برنامه‌های زیر گنجانیده شده بود: آموزش گروه پزشکی، گروه علوم پایه، گروه هنر، گروه علوم انسانی و اجتماعی، گروه فنی و مهندسی و گروه کشاورزی و دامپزشکی، (ماخذ ۲۴، ص ۲۰ - ۲۰)

در برنامه پنجاه اول جمهوری اسلامی ایران (تجربه سال ۱۳۶۷) همانند تجربه سال ۱۳۶۱ قلمرو فعالیتهای بخشهای آموزش و پرورش عمومی، آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی دست نخورده باقی ماند، مگر آنکه تحقیق و بررسی از آن جدا شد و به همراه تحقیق و بررسی و تحقیقات دانشگاهی سایر بخشها، بخش جدید «تحقیقات» را به وجود آورد (ماخذ ۲۵).

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که قلمرو بخش، ضمن آنکه از برنامه‌های نخستین به تدریج

خالصتر شده و هر چه بیشتر به موضوعات آموزشی محدود شده است، از نظر تقسیم‌بندی داخلی، به تفصیل گراییده و چهره برنامه‌ها را دقیقتر و عملیاتی‌تر تصویر کرده است. این امر، که از ابزارها و پیشنهادهاى اولویت‌گذاری در برنامه‌ریزی شناخته می‌شود، تحول مثبتی است که از تجربه‌های بعد از انقلاب ناشی شده است و هر چند که امر برنامه‌ریزی را پیچیده‌تر کرده اما بر دقت آن افزوده است. به لحاظ سیاست‌گذاری و اولویتها، این کار، جا به جایی منابع بین سطوح مختلف آموزشی که در نبود برنامه‌های سالانه و برنامه‌های دقیقتر استانی و آموزشگاهی همواره به ضرر آموزشهای عمومی صورت می‌گرفته است (این موضوع بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت) را تا حدودی مشکلتر می‌سازد و در واقع مکانیسمی قویتر برای حفظ اولویتها برای برنامه‌های کم‌پشتیبان - شبیه آموزشهای عمومی و فنی و حرفه‌ای - به شمار می‌آید. چون انتقال اعتبارات و امکانات از یک بخش به بخش دیگر بسیار دشوارتر و محدودتر از انتقال منابع از یک برنامه به برنامه دیگر داخل یک بخش است.

### قسمت چهارم - تحولات قلمرو اجرایی برنامه توسعه آموزش و پرورش

به لحاظ جنبه‌های اجرایی، تحولات ۴۰ ساله گذشته برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش، از دو بُعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت: (۱) از بعد جامعیت عملیات و هزینه‌ها (۲) از لحاظ نقش دولت و بخش خصوصی. البته از نظر اجرایی مطلب مهم دیگری باقی می‌ماند که بحث آن به هنگام طرح مقاله سوم یعنی محتوای برنامه‌ها و ارزیابی چگونگی اجرای آنها موكول می‌شود و آن عبارت است از نظام اجرای برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش.

۱ - جامعیت عملیات و هزینه‌ها: فعالیتهای آموزشی از نظر امکانات و منابعی که نیاز دارند به دو گروه عملیات جاری (شامل تأمین معلم، کارکنان اداری و ستادی، تأمین کتابهای درسی و مواد آموزشی، تأمین مواد مصرفی و ملزومات و خدمات پشتیبانی و مانند آن) و گروه عملیات مربوط به ایجاد ظرفیتهای مادی جدید یا اصطلاحاً سرمایه‌گذاری ثابت (تهیه زمین، احداث ساختمان و تجهیزات آموزشی و امثال آن) تقسیم می‌گردد. ماهیت فعالیتهای آموزشی چنان است که اساساً منابع مورد نیاز برای اجرای عملیات جاری (یعنی اعتبارات جاری) به مراتب بزرگتر از منابع مورد نیاز برای اجرای عملیات سرمایه‌گذاری ثابت (یعنی اعتبارات عمرانی و یا به مفهوم دقیقتر سرمایه‌گذاری ثابت) می‌باشد. ولی هر چه سطح آموزش بالاتر باشد، ضمن افزایش بیشتر منابع مورد نیاز برای تولید یک واحد محصول، از نسبت هزینه عملیات جاری کاسته شده و به عملیات سرمایه‌گذاری اضافه می‌شود.

در برنامه‌های اول تا سوم عمرانی کشور اصولاً عملیات جاری آموزش و پرورش به دلیل عدم جامعیت برنامه‌ها (توجه بیشتر به جنبه‌های فیزیکی فعالیتها) و نیز به لحاظ محدودیت قلمرو فعالیت‌ها (توجه بیشتر بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و عالی) و بالاخره به لحاظ چگونگی اجرای برنامه‌ها (جدا بودن نهاد اجرایی طرحها از لحاظ مدیریت و سازماندهی از بدنه اصلی دولت)، چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت، و از حد صرف هزینه‌ای جزئی برای تهیه و چاپ کتاب یا متون آموزشی دیگر و یا پاره‌ای از فعالیت‌های آموزش ضمن خدمت و کمک هزینه تحصیل خارج از کشور و نیز تا حدودی استخدام معلمان و استادان جدید تجاوز نمی‌کرد. در برنامه چهارم عمرانی، تغییری اساسی در این گستره حاصل شد و اعتبارات عمرانی، مجموعه اعتبارات مورد نیاز «توسعه» فعالیتها را، اعم از عملیات جاری یا سرمایه‌گذاری ثابت در بر گرفت. هر چند که باز هم پاره‌ای از هزینه‌های عملیات جاری توسعه به بودجه جاری دولت که جدای از برنامه تدوین و اجرا می‌شد، محول شده بود. در برنامه عمرانی پنجم، دامنه شمول عملیات فراتر از گذشته پیش‌بینی شد و در بخش آموزش و پرورش کلیه فعالیت‌های دولت، اعم از جاری و عمرانی یا نگهداشت سطح و توسعه مورد توجه قرار گرفت و منابع مالی بخش به سه جزء: اعتبارات نگهداشت سطح عملیات، اعتبارات عمرانی ثابت و اعتبارات عمرانی غیر ثابت تقسیم شد. همین شیوه در تهیه برنامه ششم عمرانی نیز دنبال شده است.

در تجربه‌های مربوط به دوره پس از استقرار جمهوری اسلامی ایران، یعنی تجربه سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۷ جامعیت برنامه از نظر شمول کلیه فعالیت‌های آموزشی حفظ شده است. از نقطه نظر دیگری این بحث واجد اهمیت است و آن چگونگی هماهنگی و تلفیق عملیات جاری و سرمایه‌گذاری ثابت و تحولات آن در گذشته است. از تصویری که در زمینه دامنه شمول عملیات و تحول آن در گذشته به دست داده شد به صورت منطقی این نتیجه را ممکن است بتوان گرفت که امر هماهنگی و تلفیق عملیات جاری و سرمایه‌گذاری ثابت به تدریج بهبود یافته و کاملتر شده است. اما این نتیجه‌گیری منطقی چیزی نیست که در عمل هم اتفاق افتاده باشد. زیرا در سطح کلان برنامه - به راحتی می‌توان برای رسیدن به هدف کمی معینی، محاسبات منابع مالی مورد نیاز را به طوری تنظیم کرد که بین عملیات جاری و سرمایه‌گذاری ثابت هماهنگی و تناسب برقرار شود. ولی مسأله اساسی در سطح اجرایی و محیط واقعی فعالیت‌های آموزشی است که باید امر تلفیق این دو عملیات صورت پذیرد و به تناسب هر گونه افزایشی در هدفهای کمی، امکانات فیزیکی، انسانی و خدمات پشتیبانی آن قبلاً فراهم آید. از این لحاظ روند مشخصی در برنامه‌های گذشته مشاهده نمی‌شود. بدین ترتیب که هر چند در سطح کلان برنامه تا حدودی هماهنگی مورد توجه قرار داشته و به تدریج نیز کاملتر شده است اما همان طور که قبلاً در قسمت اول گفته شد، چون برنامه‌ریزی به سطوح اجرایی‌تر تسری نیافته است، نمی‌توان

اطمینان داشت که در میدان عمل نیز، زمینه و مقدمات لازم برای برقراری هماهنگی و تلفیق عملیات فراهم شده باشد.

۲ - تحول نقش دولت و بخش خصوصی - در کلیه برنامه‌ها، می‌توان در متن سیاستها و خط مشی‌ها، تأکیدهایی را در مورد مشارکت دادن مردم و بخش خصوصی در امر آموزش مشاهده کرد. در برنامه اول، به استناد گزارش مشاوران ماوراء بحار، در این زمینه شرح مبسوط‌تری مشاهده می‌شود که طرح اجرایی آن نیز به صورت تأسیس شوراهای منطقه‌ای آموزش و پرورش، که جزئی از نظام عدم تمرکز در امور اجرایی به شمار می‌آمده، ارائه شده است (مآخذ ۶ ص ۱۳۷). اما در برنامه‌های دوم و سوم دیگر چندان اثری از این قبیل طرح‌ها به چشم نمی‌خورد و تنها به صورت گذرا، در متن سیاستها، به فراهم آوردن تسهیلاتی برای بخش خصوصی اشاره شده است. در برنامه عمرانی چهارم، برای اولین بار فعالیت بخش خصوصی در هدف‌گذاری مورد توجه قرار گرفت و سهم مشخصی برای آن در نظر گرفته شد (مآخذ ۱۳ ص ص ۲۴۱، ۲۵۲)، اما در برنامه پنجم، همزمان با افزایش منابع مالی دولت (ناشی از افزایش قیمت نفت)، فقط در یک جا از فعالیت بخش خصوصی در آموزش و پرورش به اشاره نام برده شده و از هدف‌گذاری برنامه قبلی صحبتی به میان نیامده است (مآخذ ۱۴ ص ۱۱۴). بالاخره در اواخر دوره برنامه پنجم است که مسأله آموزش و پرورش رایگان و محدود کردن فعالیت بخش خصوصی (به طور تلویحی) در این بخش مطرح و به اجرا گذاشته می‌شود (مآخذ ۱۵ - ۱۶۶). در برنامه عمرانی ششم، هر چند مدارک و اسناد موجود ناقص است، اما در سیاستها به تشویق بخش خصوصی در مشارکت در کلیه سطوح و دریافت شهریه از خانواده‌هایی که فرزندان آنها در مدرسه‌های خصوصی به تحصیل اشتغال دارند، اشاره شده است (مآخذ ۲۰ - ص ۵۸). به لحاظ هدف‌گذاری نیز آموزش کودکان کمتر از ۵ سال در کودکانها و در مهدهای کودک به بخش خصوصی واگذار گردیده است (مآخذ ۱۹، ص ۱۴).

در این برنامه‌ها، بجز در برنامه چهارم که اشاره‌ای به اعتبارات بخش خصوصی (مآخذ ۱۳ - ص ۲۵۲) شده است و در برنامه پنجم (تجدید نظر شده) که اشاره‌ای به پس‌انداز بخش خصوصی بجای سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش (مآخذ ۱۵ ص ۱۷۳) دارد، مطلب مشخص دیگری در مجموعه برنامه‌ها درباره نقش مالی بخش خصوصی در ارتباط با منابع برنامه ندارد. در تجربه‌های دوره پس از استقرار جمهوری اسلامی، در تجربه سال ۱۳۶۱ چون فعالیت بخش خصوصی در آموزش و پرورش مجاز نبود، ناگزیر نامی از این بخش در برنامه برده نشده است، هر چند که در صدر سیاستها باز هم به مشارکت مردمی در امر آموزش و پرورش اشاره شده است (مآخذ ۲۴ ص ۲۱-۴).

در تجربه سال ۱۳۶۷، برای نخستین بار در دوران ۴۰ ساله برنامه‌ریزی کم و بیش نقش بخش غیردولتی در هدفهای کمی آموزش و پرورش از سطوح کودکستانی تا دانشگاهی و در انواع آموزشهای عمومی، فنی و حرفه‌ای و عالی تعیین شده و سیاستهای مشخصی در این باره ارائه شده است (مآخذ ۲۵ - برای آموزش عمومی، ص ص ۱۸۶ و ۱۸۱۰ برای آموزش فنی و حرفه‌ای ص ص ۱۹۸ و ۱۹۱۳ برای آموزش عالی ص ص ۸-۲۰) و در مواردی هزینه خانوار برای امر آموزش و میزان سرمایه‌گذاری مؤسسات غیرانتفاعی آموزشی و نیز میزان کمک دولت به امر توسعه این مؤسسات نیز برآورد شده است (مآخذ ۴۰، جلد دوم، ص ص ۲۶ و ۶۲).

بنابراین مشاهده می‌شود که به تدریج از ابتدای برنامه اول تا چهارم جایگاه بیشتری به بخش خصوصی در امر برنامه توسعه آموزش و پرورش واگذار شده است. اما در برنامه پنجم این بخش مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته و در برنامه ششم نیز چندان توجهی به آن نشده است. در هر حال نقش این بخش در برنامه‌های تهیه شده در نظام گذشته، به روشنی توصیف نشده است. در تجارب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی درباره نقش مؤسسات آموزشی غیرانتفاعی از یک بی‌توجهی کامل در سال ۱۳۶۱، به توجه نسبتاً قابل ملاحظه‌ای در سال ۱۳۶۷، تغییر وضع مشاهده می‌شود.

تذکر این نکته ضروری است که به هنگام تدوین برنامه‌ها عموماً، بخش غیردولتی جایگاهی برای اظهار عقیده و یا ارائه پیشنهاد نداشته است و این بُعد از مسئله، بعداً با تفضیل بیشتری مورد بحث قرار خواهد گرفت.

بررسی دو مقوله دیگر ان‌شاء الله به شماره‌های آینده فصلنامه تعلیم و تربیت موکول

می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست مأخذ

- ۱ - «تاریخچه تنظیم برنامه هفت‌ساله عمرانی و آبادی ایران»، بانک ملی، اداره بررسیهای اقتصادی و مالی تهران، اسفند، ۱۳۲۷.
- ۲ - «گزارش آقای دکتر مشرف نفیسی... در برنامه عملیات سازمان برنامه هفت‌ساله»، سازمان برنامه، تهران، ۱۳۲۸.
- ۳ - «گزارش عملیات سازمان برنامه هفت‌ساله در سالهای ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰»، سازمان برنامه، تهران، ۱۳۳۰.
- ۴ - «قانون اساسی معارف»، مصوب نهم عقرب ۱۲۹۰ شمسی مجلس شورای ملی.
- ۵ - «قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی و اجباری و مجانی» مصوب ۶ مرداد ۱۳۲۲، مجلس شورای ملی.
- ۶ - "Seven Year Development Plan. Vol II, Education, Public Health", Overseas Consultants, INC. New York, 1949.
- ۷ - «گزارش اجرای برنامه هفت‌ساله دوم»، سازمان برنامه، تهران، ۱۳۴۳.
- ۸ - «سنجش پیشرفت و عملکرد برنامه هفت‌ساله دوم ایران»، دفتر اقتصادی، سازمان برنامه، تهران، اسفند ۱۳۳۸. متن انگلیسی این گزارش ممکن است در پاره‌ای از ارقام با متن فارسی تفاوت داشته باشد. مشخصات متن انگلیس به قرار زیر است:
- «Review of the Second Seven Year Plan Programs», Plan Organisation, Tehran, March 1960
- ۹ - «ابتدای بیداری، گزارش تحول وضع سواد در ایران ۱۳۶۵ - ۱۳۷۷»، سازمان برنامه و بودجه، مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، تهران، مرداد، ۱۳۶۸.
- ۱۰ - «گزارش مقدماتی برنامه سوم فرهنگ» امور اقتصادی سازمان برنامه، مرداد ۱۳۴۰.
- ۱۱ - «گزارش مقدماتی برنامه سوم نیروی انسانی» امور اقتصادی سازمان برنامه، تهران، ۱۳۴۰.
- ۱۲ - «گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم ۴۶ - ۱۳۴۱»، سازمان برنامه، ۱۳۴۷.
- ۱۳ - «برنامه عمرانی چهارم کشور: فصل ۱۷ - آموزش و پرورش»، سازمان برنامه، تهران، ۱۳۴۷.
- ۱۴ - «خلاصه برنامه پنجم عمرانی کشور: فصل ۲۰ - آموزش و پرورش»، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۵۲.
- ۱۵ - «خلاصه برنامه پنجم عمرانی کشور تجدید نظر شده: امور اجتماعی - فصل ۱ - آموزش و پرورش» سازمان برنامه و بودجه، تهران، مرداد ۱۳۵۳.

۱۶ - «سنجش عملکرد آموزش و پرورش در برنامه عمرانی چهارم و پنجم و پیشنهاد برنامه‌های آموزش و پرورش در برنامه ششم، گزارش مرحله دوم»، مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزش، تهران، اسفند ۱۳۵۵.

۱۷ - «خطوط کلی، هدفها، سیاستها و خط‌مشی‌های برنامه عمرانی ششم: فصل آموزش و پرورش»، سازمان برنامه و بودجه، بدون تاریخ.

۱۸ - «خلاصه گزارش برنامه عمرانی استانها در برنامه ششم عمرانی»، دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سازمان برنامه و بودجه، بدون تاریخ.

۱۹ - «آموزش و پرورش در برنامه عمرانی ششم»، مجموعه گزارشهای منتشر نشده استانها، سازمان برنامه و بودجه، بدون تاریخ.

۲۰ - «برنامه ششم و دورنمای توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران»، دفتر برنامه‌سنجی و اقتصاد کلان، سازمان برنامه و بودجه، تهران، اسفند ۱۳۵۶.

۲۱ - «طرح استقرار مدارس - شهرستان شاهرود» وزارت آموزش و پرورش، دفتر هماهنگی برنامه‌ها، با همکاری انیسینو بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی پاریس، تهران، ۱۳۵۴.

۲۲ - Hallak, et al, "Methode de Préparation de la Cart Scolair: Etudes de Cas, le Chahrestan de Chahroud, IRAN." Institut Internutional de Planfication de l'Education, Paris, 1975

۲۳ - بهشتی، محمد باقر و دیگران. «مطالعه آموزش و پرورش شهرستان هشتگرد»، سازمان برنامه و بودجه آذربایجان شرقی، تبریز، تیرماه ۱۳۶۶.

۲۴ - «برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۲ - ۱۳۶۶ - جلد چهارم: فصل ۲۱ - آموزش و پرورش، فصل ۲۰: آموزش عالی، فصل ۲۲ - آموزش فنی و حرفه‌ای» سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۲.

۲۵ - «لابحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۶۸ - ۱۳۷۲ - بیوست شماره ۱ - بخش ۱۸ - آموزش و پرورش، بخش ۲۰، آموزش عالی، بخش ۱۹ - آموزش فنی و حرفه‌ای» وزارت برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۸.

۲۶ - «برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۶۲ - ۱۳۶۶، جلد اول» سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۲.

۲۷ - «برنامه کلان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۷۲ - ۱۳۶۸ - مقدماتی، پیشنهاد به شورای اقتصاد»، دفتر اقتصاد کلان، وزارت برنامه و بودجه، تهران، آبان، ۱۳۶۷.

۲۸ - «گزارش چشم‌انداز کلان و بخشهای منتخب اقتصاد ایران»، دفتر اقتصاد کلان، وزارت برنامه و بودجه، مهر ۱۳۶۶ - (ص ص).

۲۹ - گزارشهای مربوط به پروژه وام بانک جهانی در زمینه آموزش و پرورش تحت عناوین زیر تهیه شده است:

- "IRAN Priority Projects for Educational Development," Unesco, Paris, January, 1969.

- "Government of Iran Educational Project" Plan Organisation, Tehran, 1969.

۳۰ - «طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۶۷

۳۱ - "Modèle de Développement de l'Education: Perspectives Pour l'ASIE (1965 - 80)," UNESCO, 1967



- ۳۲ - «طرح پیشنهادی سازمان یونسکو برای اجرای تعلیمات ابتدایی همگانی و مجانی در ایران». اداره کل تعلیمات ابتدایی، وزارت فرهنگ، تهران، دی ۱۳۴۰. و همچنین «پایه‌های آماری پیشرفت آموزش و پرورش در قاره آسیا براساس طرح کراچی»، مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، ترجمه و اقتباس لیلادهقانی، بدون تاریخ.
- ۳۳ - «برنامه جامع و درازمدت آموزش کشور، کتاب نخست»، مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، تهران، شهریور ۱۳۵۴.
- ۳۵ - نمونه‌هایی از برنامه‌های توسعه نیروی انسانی را می‌توان در نشریات زیر مشاهده کرد:  
 - «برنامه توسعه نیروی انسانی آموزش و پرورش سال تحصیلی ۶۳-۶۲»، نشریه شماره ۲۰۱ دفتر هماهنگی طرحها و برنامه ریزهای توسعه، وزارت آموزش و پرورش، مرداد ۱۳۶۲.  
 - «برنامه توسعه نیروی انسانی آموزش و پرورش سال تحصیلی ۶۴-۶۳»، نشریه شماره ۲۰۱ دفتر هماهنگی و... وزارت آموزش و پرورش، مرداد ۱۳۶۳.  
 - «برنامه توسعه نیروی انسانی آموزش و پرورش سال تحصیلی ۶۵-۶۴»، نشریه شماره ۲۰۷ دفتر هماهنگی و... وزارت آموزش و پرورش - ۱۳۶۴.
- ۳۶ - نمونه‌ای از این قبیل گزارشها و یکی از جامعترین آنها عبارت است از «ارزیابی عملکرد فصل آموزش و پرورش عمومی در سالهای ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ و پیش‌بینی برنامه در سال ۱۳۶۴ گزارش مقدماتی سازمان برنامه و بودجه» مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی حرفه‌ای، سازمان برنامه و بودجه، دی ۱۳۶۳.
- ۳۷ - ماهوتچیان، طاهره «گزارش اقتصادی بخش آموزش و فنی و حرفه‌ای سالهای ۱۳۵۱-۱۳۶۳» مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، وزارت برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۴.
- ۳۸ - شامیانی، معصومه «گزارش اقتصادی بخش آموزش و پرورش عمومی سالهای ۱۳۵۱-۱۳۶۳» مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، وزارت برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۴.
- ۳۹ - وحیدی، پردیخت «تحلیلی از هزینه در آموزش عالی» مدیریت آموزش عالی تحقیقات، وزارت برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۵.
- ۴۰ - «برنامه توسعه بخش آموزش و پرورش عمومی ۷۲ - ۱۳۶۸»  
 جلد اول - بررسی عملکرد و وضع موجود بخش آموزش و پرورش عمومی ۶۶-۱۳۵۸ (خرداد ۱۳۶۸)  
 جلد دوم - اهداف، راهبردها، سیاستها و برنامه‌های اجرایی (خرداد ۱۳۶۸)  
 جلد سوم - خلاصه بررسی عملکرد و وضع موجود بخش آموزش و پرورش عمومی در استانها - برنامه کلان توسعه آموزش و پرورش عمومی برحسب استانها (پیشنهادی) (دی ۱۳۶۸)  
 جلد چهارم - روش برنامه‌ریزی بخش آموزش و پرورش عمومی در برنامه اول توسعه (دی ۱۳۶۸)  
 از انتشارات مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی حرفه‌ای، سازمان (وزارت) برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۸
- ۴۱ - «قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۶۸ - ۱۳۷۲» سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۸.
- ۴۲ - محسنی نیا، محمد جواد، «ارزیابی عملکرد بخش آموزش و پرورش عمومی طی سالهای ۶۶-۱۳۶۲ براساس لایحه برنامه اول»، وزارت برنامه و بودجه، مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، تهران، خرداد ۱۳۶۷
- ۴۳ - عزیزاده طباطبایی، سید مهدی، «ارزیابی عملکرد بخش آموزش فنی و حرفه‌ای طی سالهای ۶۶-۱۳۶۲ براساس لایحه برنامه اول» وزارت برنامه و بودجه، تهران، مرداد ۱۳۶۷